

جایگاه اهل بیت (ع) در اشعار سنایی

□ محمد جمعه کریمی *

چکیده

شاعر مورد بحث، ارادت خاصی به اهل بیت (ع) دارد و دیوان اشعار او مملو از فضائل اهل بیت (ع) است. طلیعه سخن او با حدیث رسول خدا (ص) شروع شده است: دو گوهر گران- بها در میان شما گذاشتم اگر به آن تمسک جستید؛ رهایی پیدا خواهید کرد و در غیر آن منتظر عذاب دردناک الهی باشید. سنایی! به شکل زیبایی این حدیث را به نظم درآورده است که گویای این است که فضل و فضائل خاندان رسالت در گوهر وجودش پرورش یافته و خویش را محو در فضل و کرم اهل بیت (ع) میداند.

در ادامه فضائل مولای متقیان را در جای جای اشعار خویش بیان کرده و با صراحت تمام اعلان میدارد بی محبت علی کفر است! او شیر و شمشیر خداست به قول رسول خدا کرار غیر فرار است؛ تا هنگام که دشمن را از حیطة و حریم مسلمان دور نکرده، آرامش در وجود وی راه ندارد. به واقعه احد و خیبر اشاره کرده است و ذوالفقار و ولایتش از آسمانها به گوش می‌رسد، در یک کلام اهل بیت (ع) را جان رسول خدا (ص) میداند. تواضع و فروتنی از وجودش فوران می‌کند. شاعر، به مضمون حدیثی اشاره دارد که علی (ع) را باب العلم میداند) انا مدینة العلم و علی بابها» و پس از آن به سرور زنان بهشت در ابیاتشان اشاره دارد

* - دکتری فقه قضایی گرایش آئین دادرسی، جامعه المصطفی علیه السلام العالمية

و با صراحت می‌گوید: زنی همچون فاطمه (س) پس از وی، پا به عرصه‌ی وجود نخواهد گذاشت.

و در آخر گوشه‌ی چشمی به واقعه کربلا دارد و نسیم دلنواز کربلای حسین (ع) را در ضمن اشعار رسای خویش بیان می‌کند با شهادت او فصل جدیدی در تاریخ اسلام به وجود آمده و بر دشمنان او نفرین می‌فرستد و پس از آن از علی بن موسی (ع) و از بارگاه نورانی وی یاد می‌کند.

مقدمه

بزرگان و دانشمندان دنیای اسلام هر کدام در حد توان در آثار منشور و منظوم از اوصاف و ویژگی‌های اهل بیت (ع) فراوان یاد کرده‌اند. و لیکن به اندازه‌ی سنایی به عمق گستره و شناخت آن بزرگواران راه نیافته‌اند، سنایی در مناسب‌های مختلف از اهل بیت (ع) یاد کرده و به شأن و منزلت آنان پرداخته و فضائل بی‌شماری از آنان نام برده که دیگران کمتر به آن پرداخته است. به طور قطع می‌توان گفت که سنایی چنان به صورت گسترده تمامی زوایای فضائل اهل بیت (ع) را به نظم درآورده است که خود، کتابی مستقل می‌خواهد. از این رو، به اندازه توان گوشه‌ای از این فضائل را که سنایی به نظم درآورده گردآوری کرده، و عرضه میدارم.

گوهر گران بها

حدیثی از پیامبر اسلام (ص) بدست می‌آید که دو چیز مهم و گران بها در میان امت به جای گذاشته است: کتاب خداوند که باطل در آن راه ندارد و اهل بیت رسول خدا (ع) است (بخاری، ج ۷، ۱۴۲۲ق، ص ۱۲۳) و آن دو هیچ وقت از هم جدا نمی‌شود و اگر مسلمانان به آن تمسک جویند؛ گمراه نخواهد شد. سنایی به این مناسبت اشعاری دارد که در ذیل به آن اشاره می‌گردد:

مصطفی گاه رفتن از دنیا چون بسیجید منزل عقبی
جمله اصحاب مرو را گفتند که چه بگذاشتی بر آشفتمند
گفت بگذاشتم کلام الله عترتم را نیکو کنید نگاه
(سنایی، بی تا، ص ۲۵۷)

هر چند در باره این که مقصود از اهل بیت رسول (ص) چه کسانی اند، اختلاف نظر وجود دارد، با توجه به اخبار متواتر ثابت شده است که مراد از اهل بیت (ع) فاطمه (س)، حسن و حسین (ع) است که اینان بیشترین وابستگی را به رسول خدا (ص) داشتند و در مقابل، حضرت نیز محبت خاصی به فاطمه، حسن و حسین داشتند. از این رو، معلوم می شود که مراد از ذوی القربی اینان هستند (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۱۴۳) و از خود حضرت سوال شد که مراد از اهل بیت شما که در آیه «المودة فی القربی» (شوری، ۲۳) چه کسانی اند؟ حضرت فرمود: علی و فاطمه و ابنهما (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۴۶۸) با توجه به آموزه های قرآنی، التزام به محبت اهل بیت (ع) یک تکلیف الهی است و بر همه مسلمانان واجب است که به این تکلیف عمل نمایند.

از لابه لای اشعار سنایی به اینجا می رسیم که او این آموزه ی دینی را به خوبی دریافته و اظهار ارادت کرده است:

جز کتاب الله و عترت ز احمد مرسل نماند
از گذشت مصطفای مجتبی جز مرتضی
از پی سلطان دین پس چون روا داری هم
هشت بستان را کجا هرگز توانی یافتن
گر همی مومن شماری خویشان را بایدت
بندگی کن آل یاسین را به جان تا روز حشر
یادگاری کان توان تا روز محشر داشتن
عالم دین را نیارد کس معمر داشتن
جز علی و عترتش محراب و منبر داشتن
جز به حب حیدر و شبیر و شبر داشتن
مهر زر جعفری بر دین جعفر داشتن
همچو بی دینان نباید روی اصغر داشتن
(سنایی، ۱۳۸۸ ش، ص ۴۹۹)

علی (ع) از اهلیت پیامبر خدا (ص) چنین یاد کرده است: « هیچ کس با ما اهل بیت رسول (ص) قابل قیاس نیست؛ زیرا در خانه ما قرآن نازل گشته است و کیان رسالت و نبوت در خاندان ما است » (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ش، ج ۲، ص ۱۹) سنایی کلام زیبای علی (ع) را در یافته و هیچ کس را هم پایه‌ی اهلیت (ع) ندانسته است و در این باره سروده‌ای دارد:

سراسر جمله عالم پر ز شیرست	ولی شیری چو حیدر با سخا کو
سراسر جمله عالم پر شهیدست	شهیدی چون حسین کربلا کو
سراسر جمله عالم پر امامست	امامی چون علی موسی الرضا کو

(سنایی، ۱۳۸۸، ص ۶۵۳)

فضایل اهلیت (ع)

در آثار زیبای سنایی به گوشه‌ای از فضائل اهل بیت (ع) بویژه فضائل امام علی (ع) به خوبی اشاره شده است و با آوردن حدیث شریف « انا مدینه العلم و علی بابها » (الطهمانی النیسابوری، ۱۴۱۱ ق، ج ۳، ص ۳۳۷) بهترین تعبیر را به کار برده است:

آن ز فضل آفت سرای فضول آن علمدار و علم دار رسول
آن سرافیل سر فراز علم ملک الموت دیو آز از حلم
(سنایی، بی تا، ص ۲۴۵)

سنایی با تأسی از کلام زیبای علی (ع) آنجایی که فرمود: «سلونی قبل ان تفقدونی»
طبرسی، ۱۴۲۴ هـ.ق، ج ۲، ص ۶۱۰) اشاره کرده است:

آل یاسین شرف بدو دیده ایزد او را به علم بگزیدند
سر قرآن بخواند بود دل علم دو جهان او را حاصل
(همان، ص ۲۴۷)

سنایی با تاریخ اسلام به خوبی آشنایی داشت و وقایع و حوادثی که در تاریخ اسلام اتفاق افتاده را در سروده‌های خویش به خوبی انعکاس داده است، رسول خدا (ص) یک روز پیش از فرستادن امام علی (ع) به جنگ خیبر فرمودند « فردا این پرچم را به دستی کسی خواهم داد که خداوند این دژ را به دست او می‌گشاید؛ کسی که خدا و رسول خدا (ص) را دوست میدارد و خدا و رسولش نیز او را دوست میدارند. (ابن عبدالبر، ۱۳۲۸، ج ۳، ص ۳۰):

خوانده در دین و ملک مختارش هم در، علم و هم علمدارش
شرف شرع و قاضی دین او صدف دُر آل یاسین او

ذوالفقار علی (ع)

علی (ع) در تمامی جنگ‌ها در کنار پیامبر (ص) شمشیر می‌زد، طبق روال گذشته یک روز علی (ع) در جنگ احد دوشادوش رسول خدا (ص) شمشیر می‌زد و از وجود نازنین رسول الله (ص) استفاده می‌کرد که جبرئیل بر حضرت نازل شده گفت: ای رسول خدا (ص) « راستی که علی یاری می‌کند؛ فرشتگان از یاری این جوان به شگفت آمده‌اند» رسول خدا فرمود: « چرا چنین نباشد، او از من است و من از هستم» جبرئیل گفت: «من هم از شما هستم» در چنین روزی صدایی از آسمان مکرر به گوش می‌رسید « لاسیف الا ذوالفقار،

لافتی الا علی» ولی گوینده دیده نمی‌شود! از رسول خدا(ص) سوال کردند که گوینده کیست؟ فرمود: جبرئیل! (ابن ابی الحدیدی، ۱۳۷۸ق، ص ۲۴۳) سنایی در این باره نیز سروده‌ی زیبایی دارد:

مصطفی چشم روشن از رویش	شاد زهرا، چو گشت وی شویش
نامش از نام یار مشتق بود	هر کجا رفت همراهش حق بود
آمد از سدره، جبرئیل امین	لافتی کرده مر او را تلقین
ذولفقاری که از بهشت، خدای	بفرستاده بود، شرک زدای
آوریش به نزد پیغمبر	گفت: «کاین هست بابت حیدر

(سنایی، بی‌تا، باب‌ثالث ستایش امیرالمؤمنین)

اهل بیت(ع) و وصایت پیامبر(ص):

وصایت اهل بیت(ع) یکی از مباحث اساسی اعتقادی آن‌ها است. روایات زیادی در این باره نقل شده است که به چند نمونه اشاره می‌گردد: «لکل نبی وصی و وارث و آن علیا وصی و وارثی؛ برای هر پیامبر(ص) وصی و وارثی است» (مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۳۵) مولای متقیان در نهج البلاغه فرموده: «و لهم خصائص حقّ الولاية و فيهم الوصية و الوارثة» (ابن ابی الحدید، ۱۲۷۸ق، ج ۱، ص ۱۳۹) سنایی در موضوع یاد شده به نکته‌ی بسیاری دقیقی اشاره کرده است:

مر نبی را وصی و هم داماد	جان پیغمبر از جمالش شاد
نایب مصطفی به روز غدیر	کرده در شرع مر او را به امیر
سرّ قرآن بخوانده بود به دل	علم دو جهان او را شده حاصل

(سنایی، بی‌تا، ص ۲۵۰)

ولایت اهل بیت (ع)

قرآن کریم کلمه ولی را از اسماء خداوند میدانند: « فالله هو الولیّ، خداوند است » (شوری، ۹) در موردی دیگر به نقل از حضرت یوسف (ع) آمده است: « انت ولی فی الدنیا و الآخرة؛ تنها تو در دنیا و آخرت مولای منی » (یوسف، ۱۰۱) پس ولایت حقیقی اولاد و بالذات از آن خداوند است. حکیم سنایی در این باره سروده‌ی زیبایی دارد:

نامش از نام یار مشتق بود هر کج رفت همراهش حق بود. ص ۲۴۵
رازدار خدای، پیغمبر راز دار پیمبرش حیدر . ص ۲۸۹

اهل بیت بمنزله جان رسول خدا (ص)

دیگر از جلوه‌های زیبا رسول خدا (ص) این است که اهل بیت (ع) را به منزله‌ی جان خود میدانند. این مطلب در آیات و روایات آمده و سنایی به خوبی باز گو کرده است: « «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ لَكَذِبِينَ» (آل عمران، ۶۱) هر گاه بعد از علم و دانشی که (درباره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجّه و ستیز برخیزند، به آن‌ها بگو: «بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را ما زنان خویش را دعوت نمایم، شما هم زنان خود را ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود آن‌گاه مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغ‌گویان قرار دهیم.

بر اساس روایت در منابع تشیع و اهل تسنن آمده است، در ما جرای مباحله پیامبر (ص)، حضرت علی (ع)، حضرت فاطمه (س)، امام حسن (ع)، و امام حسین (ع) شرکت داشتند. زمخشری مفسر صاحب اهل سنت می‌گوید: « رسول خدا (ص) در حالی که حسین را در آغوش و دست حسن در دست او، و فاطمه پشت سر و علی از پشت سر او حرکت می‌کرد،

برای مباحثه حاضر شدند» (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۶۸)، سنایی شاعر بزرگ غزنه چه زیبا می‌گوید:

باز دانسته در جهان نوی	در دل نقش نفس راز نبی
نه که این عقد پیش از این بودست	در ازل تا ابد قرین بودست
با ثریا ثری برابر شد	چون علی با نبی برادر شد
مرتضایی که کرد یزدانش	همره جان مصطفی جانش
هر دو یک قبله و خروشان دو	هر دو یک روح و کالبد شان دو
هر دو یک دور ز یک صدف بودند	هر دو پیرایه شرف بودند
دو رونده چو اختر و گردون	دو برادر چو موی و هارون

(سنایی، بی‌تا، ص ۲۵۰)

سنایی! تصریح کرده است که پیامبر (ص) و علی (ع) دو دُر از یک صدف و یک روح در دو بدن هستند و این پیوند ازلی و همیشگی است، خاستگاه روایی دارد. امام صادق (ع) فرمود: «قبل از خلقت عالم، محمد و علی دو نور در پیشگاه خداوند بودند، فرشتگان از خداوند درباره آن دو نور پرسیدند. خداوند فرمود: هذا نور من نوری، أصله نبوة و فرعه إمامة، فأما النبوة فلمحمد عبدی و رسولی، و أما الإمامة فلعلی حجتی و ولیی و لولا هما ما خلقت خلقی: این نور، از نورهای من است، اصل آن نبوت و فرع آن امامت است، نبوت از آن بنده و فرستاده من محمد (ص) است امامت از آن حجت و ولی من علی (ع) است. اگر آن دو نبودند، عالم را خلق نمی‌کردم.» (مجلسی، ج ۱۵، ص ۱۲).

در روایت دیگری آمده است که رسول خدا (ص) فرمود:

«قبل از خلقت آدم، من و علی در سمت راست عرش بودیم، وقتی آدم آفریده شد، ما را در صلب او قرار داد، پس از صلبی به صلبی دیگر در سلسله اصلاب طاهر و ارحام طاهره منتقل شدیم تا به صلب ابی عبدالمطلب رسیدیم. آن گاه به دو قسم تقسیم شدیم، من در

صلب عبدالله و او در صلب ابي طالب قرار گرفت و برای ما دو اسم انتخاب شد که از نام‌های خداوند مشتق شده بود، زیرا خداوند محمود است مرا محمد نامید و خدا علی است و او را علی نامید.» (همان) بر اساس همین حدیث که اسم علی از اسم خداوند مشتق شده است، گفته‌اند:

نامش از نام یار مشتق بود هر کجا رفت هم‌رهش حق بود.

(سنایی، بی‌تا، ص ۲۴۵)

تواضع و فروتنی مولا

یکی از صفات اولیای الهی، تواضع و فروتنی در هنگام عبادت است. داستانی در باره علی (ع) نقل شده است که حضرت در هنگام عبادت، چنان محو شده بود که پیکان تیر را از پای مبارکش در آورد، ولی ایشان احساس نکرد. حکیم سنایی در این باره بسیار زیبا فرموده است:

چون برون آمد از نماز علی	آن مر او را خدای خوانده ولی
گفت کمتر شد، آن الم، چون است؟	و زچه جای نماز پر خون است
گفت با او، جمال عصر حسین	آن بر اولاد مصطفی شده زین
گفت چون در نماز رفتی تو	بر ایزد، فراز رفتی تو
کرد پیکان برون ز تو حجام	باز ناداده از نماز سلام
گفت حیدر به خالق الاکبر	که مرا الم نبوده خبر

(سنایی، بی‌تا، ص ۳۴۶)

شهر علم نبی

دیگر از فضائل امام علی (ع)، حدیث پیامبر (ع) است که «انا مدینه العلم وعلی بابها» سنایی! تصریح دارد که بهشت بدون محبت علی و حسن و حسین (ع) میسور نیست:

شو مدینه علم را در جوی و پس دروی خرام
چون همی دانی شهر علم را حیدر در است
گرهمی خواهی که چون مهتر بو، حیدر نشانند
دون درخت دین به باغ شرع هم حیدر نشانند
از پس سلطان دین پس چون رواداری همی
هشت بستان راکجا هرگز توانی یافتن

تا کی آخر خویشتن چون حلقه بر در داشتن
خوب نبود جز که حیدر، میر و مهتر داشتن
مهر حیدر بایدت با جان برابر داشتن
باغبانی زشت باشد جز که حیدر داشتن
جز علی و عترتش محراب و منبر داشتن
جز به حب حیدر و شبیر و شبر داشتن

(سنایی، ۱۳۸۸، ص ۵۴۳)

حیدر کرار

از روایات استفاده می شود که بعد از ولادت امام علی (ع) فاطمه (س) نام او را حیدر؛ یعنی شیر گذاشت (انا الذی سمنی امی حیدره) و حضرت ابوطالب او را علی نامید (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۲۲۰). بر همین اساس در سروده هایی، حکیم او را با واژه های شیر خدا و یا حیدر کرار به کار برده است:

ور همی گویی که هستم چاکر شیر خدا تن فدای تیغ و جان در خدمت دادار کو
عالمی پر ذوالخمارست از خمار خواجگی ای دریغا در جهان یک حیدر کرار کو

(سنایی، ۱۳۸۸ش، ص ۶۵۴)

در واقعه جنگ خیبر روایتی از رسول خدا (ص) آمده است که فردی به جنگ می فرستم که هم او، خدا و رسولش را دوست دارد و هم خدا و رسولش او را دوست میدارد، او حمله بی - گریز است و باز نگردد تا آن که خدا فتح و پیروزی را به وی ارزانی دارد. چون فردا شد رسول خدا (ص) علی (ع) را فراخواند و به سوی قلعه فرستاد، پس علی (ع) را بدین فضیلت برگزید و او را حیدر کرار، حمله کننده ای بی گریز، نامید. (تحف العقول، بی تا، ص ۴۲۹) سنایی در این باره سروده ی زیبایی دارد:

گر چه شمشیر حیدر کرار کافران کشت و قلعه‌ها بگشاد
تا سه نان را نداد در حق او هفده آیت خدای نفرستاد
(سنایی، ۱۳۸۸ش، ص ۴۵۶)

سه نان، اشاره به شأن نزول سوره مبارکه «هل اتی» است که فضلی از فضائل اهل بیت(ع) است که ابن عباس نقل کرده است: «حسن و حسین(ع) بیمار شدند، رسول خدا(ص) با تعدادی از اصحاب به عیادتشان آمدند و به علی(ع) گفتند: ای ابو الحسن خوب بود نذری برای شفای فرزندان خود می‌کردی.

علی(ع) و فاطمه زهرا(س) نذر کردند که اگر آن‌ها شفا یابند سه روز، روزه بگیرند. چیزی نگذاشت که هر دو شفا یافتند، در حالی که از مواد غذایی، اندکی داشتند، علی(ع) سه من جو قرض نمود، و فاطمه زهرا(س) یک سوم آن را آرد کرد، و نان پخت. هنگام افطار سائلی در خانه را زد و گفت: السلام علیکم یا اهل بیت پیامبر(ص) مستمندی هستم غذایی برای خوردن ندارم آنان دسته جمعی غذایشان را به او دادند و با آب افطار کردند.

روز دوم روزه گرفتند. در هنگام افطار یتیمی در خانه شان را زدند و ایشان ایثار کردند، همگی غذای خودشان را به یتیم دادند و با آب افطار کردند.

روز سوم روزه گرفتند در هنگام غروب اسیری به در خانه آمد، باز هم همگی غذای شان را به اسیر دادند. صبح گاه علی(ع) حسن و حسین نزد رسول خدا(ص) آمدند. هنگام که رسول خدا(ص) به چهره‌ی آنان نگریست که از شدت گرسنگی می‌لرزند فرمود: این حالی را که در شما می‌بینم برای من بسیار گران است، سپس برخاست و با آنان وارد خانه فاطمه زهرا(س) شد. وی در محراب عبادت ایستاده بود، در حالی که از شدت گرسنگی شکم او به پشت چسبیده بود و چشم‌هایش به گودی نشسته بود، پیامبر(ص) ناراحت شد در این هنگام جبرئیل نازل گشت و گفت: ای محمد! این سوره را بگیر، خداوند با چنین خاندانی به تو

تهنیت می‌گوید، سپس سوره هل اتی» را بر او خواند» (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۰، ص ۷۴۷)
سنایی! با زیبایی تمام بیان کرده است:

سید و سرافراز آل عبا یافت تشریف سروء هل اتی
زان سه قرص جوین بی‌مقدار یافت در پیش حق چنین بازار
(سنایی، بی‌تا، ص ۷۸)

بانوی دو عالم

رسول خدا(ص)، فاطمه زهرا (س) را سرور زنان بهشت(البخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۲۰۳) معرفی کرد که این منزلت را شیعه و سنی پذیرفته است. سنایی! به این باور است که تا روز قیامت هیچ زنی همچون فاطمه(س) پا به عرصه وجود نخواهد گذاشت وی در این راستا می‌گوید:

سراسر جمله عالم پر زنانند زنی چون فاطمه خیر النساء
جدة من خدیجه زین زمان مادرم فاطمه چراغ جنان
(سنایی، بی‌تا، ص ۲۶۴)

قیام عاشورا

وقایع مهمی در جهان اتفاق افتاده است که یکی از آنها، واقعه کربلا است. در این واقعه امام حسین(ع) بر علیه خلیفه ناحق اموی قیام کرد و بسیاری از یارانش را در این مسیر از دست داد تا فصلی نوین در تاریخ اسلام به وجود بیاورد. سنایی! شاعر نام آشنا غزنه چنین می‌گوید:

بر چنین قوم تو لعنت نکنی شرمت باد لعن الله یزیدا و علی آل یزید

سنایی حیات دوباره اسلام را مدیون خون‌های ریخته شده امام حسین(ع) و یارانش میدانند:

خرمی چون باشد اندر کوی دین کز بهر حق خون روان گشته است از حلق حسین در کربلا

در فضائل رسول خدا (ص) گفته است که در بارگاه آن حضرت دو در وجود دارد؛ یکی در کوفه و دیگری در کربلا باز می شود:

بارگاه او دو در دارد که مردان در روند یک در اندر کوفه یابی و دگر در کربلا

(سنایی، ۱۳۸۸ ش، ص ۴۳۲)

عشق او اولی است بی آخر راز او باطنی است بی ظاهر

مرزغ اصل و فرع او دل و جان منبت بذر و زرع او ایمان

باد بر دوستان او رحمت باد بر دشمنان او لعنت

(سنایی، بی تا، ص ۲۶۷)

نسیم خوش کربلا

سنایی! می گوید : در کوفه پیرزنی با چندین کودک یتیم زندگی می کرد، هر روز صبح با کودکان یتیم از شهر به سوی کربلا بیرون می رفت و با کودکان می گفت: از نسیم دلنواز کربلا، قبل از اینکه وارد شهر گردد و آلوده شود، استفاده کنید! شاعر غزنه! خود را غلام چنین انسان هایی میدانند:

بود در شهر کوفه پیرزنی
بود ز اولاد مصطفی و علی
کودک چند زیر دست یتیم
زال هر روز بامداد پگاه
آمدی از میان شهر بیرون
بر راه کربلا باستادی
گفتی اطفال را همی-بوید
پیش از آن که در شود در شهر
شود از هر دماغی آلوده
حظ از این باد جمله بر دارید
من غلام زنی که از صد مرد
قدر میر حسین بشناسد

سال خورده ضعیف و ممتحنی
ممتحن مانده بی حیب و ولی
شده قانع ز کربلا به نسیم
کودکان را فکندی اندر راه
دیده از ظلم ظالمان پر خون
بر کشیدی ز دردی دل بادی
وین نکو باد را بنبوید
بر گزید از نسیم مشهد بهر
باد چون گشت شهر پیموده
سوی نا اهل و خصم مگذارید
بگذرد روز بار و بردارد
از جفاهای خصم نهرساد

(سنایی، بی تا، ص ۲۴۶)

سنایی! در کتاب حدیقه الحقیقه، یک مقتل کوچک ساخته، و سرگذشت سرور و سالار شهیدان را در آن نگاشته است. تمامی حرکات امام حسین (ع) را از ابتدا تا انتها، از مدینه و کربلا و روز عاشورا و بستن آب فرات بر حسین (ع) و یارانش و شهادت حضرت و اصحابش را به تصویر کشیده است:

ناگه آل زیاد بروی تاخت
دل او زان عنا و غم خستند
به سر آب بر فکنده سیر
و اندر آن فعل سود می‌دیدند
منتظر بود تا سرش برسید
کین دیرینه جست و این‌ها کرد
زد قضیب از نشاط و لب خندان
همچو قوم ثمود و صالح و عاد
ان که او شاه این جهان باشد
(سنایی، ص ۲۰۵)

کربلا چون مقام و منزل ساخت
راه آب فرات بریستند
عمر و عاص و یزید بداختر
سرش از تن به تیغ بیریدند
به دمشق اندرون یزید پلید
بتی از قول خویش املا کرد
دست شومش بر لب و دندان
عمر و عاص و یزید و ابن زیاد
هر که بد گوی آن سگان باشد

علی ابن موسی الرضا(ع)

شاعر خوش نام غزنه! قصیده‌ای بسیاری طولانی درباره علی بن موسی الرضا(ع) دارد که این قصیده محتوای نغز و زیبایی دارد و او اشعارش را با مطلع دل نشین آغاز کرده، و با زیبایی تمام به پایان برده است. سنایی! حرم امام هشتم را بسان کعبه دانسته که انسان در حرم امن او در امان است و بسیاری از مردم حاجت مند مشکلات خویش را بر او عرضه می‌کند و از او دستگیری می‌خواهد. نمونه‌هایی از اشعار سنایی آورده می‌شود:

دین را حرمیست در خراسان	دشوار ترا به محشر آسان
از معجزهای شرع احمد	از حجت های دین یزدان
همواره دهش مسیر حاجت	پیوسته درش مشیر غفران
چون کعبه پر آدمی ز هر جای	چون عرش پر از فرشته هزمان
هم فر فرشته کرده جلوه	هم روح وصی درو به جولان
از رفعت او حریم مشهد	از هیبت او شریف بنیان

(سنایی، ۱۳۸۸ش، ص ۴۵۳)

نتیجه گیری

با مراجعه به اشعار سنایی! مضامین احادیث رسول خدا (ص) که بیانگر فضیلت اهل بیت (ع) است؛ آشکار می‌گردد و فضل و کرم حضرت و امام علی (ع) چنانکه در کتب اهل سنت پرشور یافت می‌شود و در سروده‌های او به بهترین وجه به نظم درآمده است. به نمونه‌هایی اشاره گردیده است.

شجاعت امام علی (ع) در جنگ‌های رسول خدا (ص) به خوبی در اشعار سنایی انعکاس یافته که حضرت را به شیر خدا و کرار غیر فرار یاد نموده است و در جای جای اشعارش رسول خدا (ص) و علی (ع) را یک روح در دو بدن دانسته است. اضافه بر آن علی (ع) را جان رسول خدا (ص) شمرده است و هر دو را برابرهم میداند و هر دو را دُری از یک صدف دانسته و آنان را همانند موسی و هارون یاد کرده است. در جایی دیگر مضمون برخی اشعار سنایی، در حقیقت روح حدیث که از رسول خدا (ص) سوال شد، دو نور که در پیشگاه خداوند بود چه کسانی هست؟ رسول خدا (ص) در جواب گفت یکی از آن دو نبوت و دومی امامت است؛ اگر وجود گران بهای این دو نبود، عالم خلق نمی‌شد.

سنایی در اشعارش تصریح به تواضع و فروتنی مولای متقیان دارد در آنجایی که در جنگ‌ها همراه پیامبر (ص) پیکان تیر به پای مبارکش اصابت کرد، در هنگام نماز تیر از پای مبارکش درآوردند؛ به گونه‌ی غرق در راز و نیاز و عبادت خدای تعالی بود که هیچگونه دردی احساس نکردند.

سنایی! در برخی از اشعارش به مضمون حدیثی اشاره دارد. آنجایی که حضرت فرمود: انا مدینة العلم و علی بابها، خواستی وارد شهر علم بشوی باید از آن وارد شوی و آن در، نیست جز حیدر کرار و علی مرتضی. در جای دیگر دارد که در جهان یک حیدر کرار وجود دارد و آن علی (ع) است. هر چه بیشتر اشعار سنایی مورد بحث و بررسی قرار گیرد، بیشتر و

بیشتر شجاعت و شهامت حضرت در جنگ‌های احد و منازعات میان مردم آشکارتر می‌گردد.

نمونه‌های دیگر که در اشعار سنایی به خوبی یاد می‌شود، نزول سوره «هل اتی» در حق این خاندان است که او را از تمامی صحابه پیامبر (ص) ممتاز می‌گرداند. در ادامه به «نان جوین» اشاره دارد که حضرت نذر کرده بود که امام حسن و امام حسین (ع) از بیماری که برایشان پیش آمده، شفا یابد، سه روز را روزه می‌گیریم که در هر روز اسیر، مسکین، و فقیر هنگام افطار فرا رسیدن؛ باعث شد که نان افطاری خویش را به آنان بدهند و با آب افطار نمایند.

در جای دیگر از اشعار خویش به بانوی دو عالم فاطمه زهرا (س) اشاره دارد و به یقین یادآوری می‌کند که پس از وی زنی با چنین مشخصات و ویژگی‌هایی زاده نخواهد شد. در ادامه اشعارشان به واقعه کربلا اشاره دارد و کسانی را که باعث شهادت امام حسین (ع) و اسیر و آواره شدن فرزندان حضرت شده است، سرزنش می‌کند و از کسانی که آب را بر اهل بیت (ع) بستند، به بدی یاد می‌کند و واقعه عاشورا و کربلا را در اشعارشان به خوبی به تصویر می‌کشد و یزید و اعیان و اولاد وی را پلید خطاب می‌کند. ابن زیاد و عمر عاص را که بر لب و دندان حسین (ع) چوب می‌زند؛ سرزنش می‌کند.

در جای دیگری از اشعارش از علی بن موسی رضا (ع) در قصیده‌ی بسیار طولانی‌اش یاد کرده است. ابتدای قصیده را با مطلع دل نشین و زیبایی آغاز کرده، و به زیبایی تمام به پایان برده است.

کتابنامه

.....
ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه ، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸ق.

ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق.

ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا (ع)، تهران نشر جهان، ۱۳۷۸ش.

ابن حنبل، ابوعبدالله احمد بن محمد، مسند، بیروت، دار صادر، بی تا.

ابونعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی، حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، قاهره، دار ام القراء للطباعة و النشر، بی تا.

الرازی، فخر الدین ابوعبدالله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسین التیمی الرازی، فاتیح الغیب التفسیر الکبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.

زمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمرو بن احمد، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل ، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.

سنایی غزنوی، ابوالمجدبن آدم، حدیقة الحقیقة و شریعة الطریقة، با تصحیح مدرس رضوی، دانشگاه تهران، بی تا.